

En



زیارت

ناحیه مقدسه

بخط ابوالحسن

نگارش آسان

زیارت ناحیه مقدسه

الزيارة الناحية المقدسة

Ziyarat al-Nahiya al-Muqaddasa

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of Allah, the most Beneficent, the most Merciful



۳
اَلسَّلَامُ عَلٰی ءَادَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ

درود بر آدم (اولین پیامبر الهی) برگزیده خدا
Peace be upon Adam, the chosen one of Allah

مِنْ خَلِيقَتِهِ ❁

از بین آفریدگانش *
from among His creation.



۴
السلامُ عَلَى شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ

درود بر شیث، دوست خدا
Peace be upon Seth (Shaith), the friend of Allah

وَخَيْرَتِهِ

و انتخاب شده‌اش
and His elite.



۵
السلام على إدريس القائم

درود بر ادريس كه با حجتش براى خداوند

Peace be upon Enoch (Idris), who established (religion) on behalf

لله بحجته

بپا خاست *

of Allah by His authority.



السلام على نوح المجاب

درود بر نوح که دعوتش مورد اجابت

Peace be upon Noah (Nuh), whose invocation (for punishment)

في دَعْوَتِهِ

قرار گرفت *

was answered.



۷
السلام على هود الممدود

درود بر هود که خداوند با یاری خود،

Peace be upon Hud,

من الله بمعاونته

او را مدد رسانید *

who was assisted through Allah's aid.



٨

السلام على صالح الذي

درود بر صالح که خداوند

Peace be upon Salih,

توجه الله بكرامته

تاج کرامتش را بر سر او نهاد *

whom Allah crowned with His generosity.



۹
اَلسَّلَامُ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ الَّذِیْ

درود بر ابراهیم که خداوند
Peace be upon Abraham (Ibrahim),

حَبَاهُ اللّٰهُ بِخَلَّتِهِ

مقام خلیل الله و رفاقت را به او عطا نمود *
whom Allah endowed with His friendship.



السلام على إسماعيل الذي

درود بر اسماعیل که خداوند

Peace be upon Ishmael (Isma'il),

فداهُ الله بذبيح عظيم من جنّته

قربانی بزرگی از بهشت را فدای او نمود *

whom Allah ransomed with a great sacrifice from His Heaven.



السلام على إسحاق الذی

درود بر اسحاق که خداوند

Peace be upon Isaac (Is'haq), in whose

جَعَلَ اللهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ

پیامبری را در نسل او قرار داد *

progeny Allah placed prophethood.



الْسَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الذِّي

درود بر یعقوب که خداوند

Peace be upon Jacob (Ya'qub),

رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَ بِرَحْمَتِهِ

به رحمت خود بینائی چشمش را به او باز گرداند *
for whom Allah restored his sight by His mercy.



السلام على يوسف الذى

درود بر يوسف

Peace be upon Joseph (Yusuf),

نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ

که خداوند به عظمت خود، او را از قعر چاه رهاى بخشید *
whom Allah rescued from the well by His majesty.



الْسَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي

درود بر موسی که خداوند

Peace be upon Moses (Musa), the one

فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ وَبِقُدْرَتِهِ

به قدرت خود، دریا را برایش شکافت *

for whom Allah split the sea with His Power.



السلام على هارون الذي

درود بر هارون که خداوند

Peace be upon Aaron (Harun),

خَصَّهُ اللهُ بِنُبُوَّتِهِ

او را با پیامبریش خاص گرداند *

whom Allah distinguished with his prophethood.



السلام على شعيب الذي

درود بر شعيب که خدا او را

Peace be upon Jethro (Shu'aib),

نصره الله على أمته

(برای غلبه) در مقابل امتش یاری نمود *

whom Allah made victorious over his people.



السلام على داود الذي

درود بر داوود که خداوند

Peace be upon David (Dawud), to whom

تَابَ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ

از لغزش او (در قضاوتش) درگذشت *

Allah turned (in mercy) after his mistake.



السلام على سليمان الذي

درود بر سلیمان، کسی که خداوند

Peace be upon Solomon (Sulaiman), for whom Allah made

ذلت له الجحش بعزته

به عزت خویش، جن را به اطاعتش درآورد *

the Jinn subservient by His majesty.



الْسَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي

درود بر ایوب که خداوند

Peace be upon Job (Ayyub),

شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ

بیمارش را (از بابت صبر در مصیبت) شفا بخشید *
whom Allah cured after his (prolonged) illness.



السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي

درود بر یونس که خداوند

Peace be upon Jonah (Yunus), for whom

أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ وَمَضُمُونَ عِدَّتِهِ ❁

به وعده خود برایش (در رهایی از غم) وفا نمود *

Allah fulfilled the purport of His promise.



السَّلَامُ عَلَىٰ عَزِيرِ الذِّي

درود بر عَزِيرِ که خداوند

Peace be upon Ezra (Uzair),

أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مِيتَتِهِ

او را پس از مرگش زنده گرداند *

whom Allah brought to life after his death.



السلام على زكريّا الصّابِرِ

درود بر زکریا که بر سختی‌های وارده،

Peace be upon Zechariah (Zakariyya), who remained patient

في محنته

شکیبایی ورزید *

in his tribulations.



السلام على يحيى الذی

درود بر یحیی که خداوند به سبب شهادت،

Peace be upon John (Yahya), whom Allah drew near

أَرْزَلَهُ اللهُ بِشَهِادَتِهِ

نزدیکش ساخت (به مقام قرب الهی رساند) *
(his rank) by his martyrdom.



السَّلَامُ عَلَى عِيسَى

درود بر عیسی روح خدا
Peace be upon Jesus (Isa),

رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ

و کلمه (نجات بخش) او *
the spirit of Allah and His word.



اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ

درود بر محمد

Peace be upon Muhammad,

حَبِيبِ اللّٰهِ وَصِفْوَتِهِ

محبوب خدا و برگزیده او *

the beloved of Allah and His elite.



السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

درود بر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب،

Peace be upon the Leader of the Faithful, Ali Ibn Abi Talib, who was

أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأَخْوَتِهِ

که برادری رسول خدا به وی اختصاص یافت *

exclusively selected for brotherhood to him (the Prophet (PBUH&HF)).

اَلْسَّلَامُ عَلٰی

درود بر فاطمه زهرا،

Peace be upon

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ

دختر رسول الله *

Fatima al-Zahra, his daughter.



اَلسَّلَامُ عَلٰی اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ

درود بر حسن پسر علی،

Peace be upon Abu Muhammad al-Hasan,

وَصِيَّ اَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ

وصی و جانشین پدرش *

the executor of (the will of) his father, and his successor.



السلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي

درود بر حسین

Peace be upon al-Husain, who sacrificed himself up

سَمَحَتْ نَفْسَهُ بِمَهْجَتِهِ

که جانِش را با نثارِ خورشِ تقدیم نمود *
to the last drops of the blood of his heart.



السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ

درود بر آن کسی که در نهان و آشکار،

Peace be upon him, who obeyed Allah

فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ

خدا را اطاعت کرد *

secretly and openly.



السلام على من

درود بر آن کسی که خداوند

Peace be upon whom

جَعَلَ اللهُ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ

خاک قبر او را شفا بخش (درد عاشقانش) قرار داد *

Allah placed a cure in the soil of his place (of martyrdom).



الْسَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْإِجَابَةِ

درود بر آن کسی که دعا در زیر گنبد حرم او

Peace be upon the one under whose dome answer

تَحْتَ قُبَّتِهِ

مستجاب می شود *

(to supplications) is guaranteed.



اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اِلَیْمَةُ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ

درود بر آن کسی که (باقی) امامان از نسل اویند *

Peace be upon the one in whose descendants are the Imams (after him).

اَلسَّلَامُ عَلٰی ابْنِ خَاتَمِ الْاَنْبِیَاءِ

درود بر پسر خاتم پیامبران *

Peace be upon the son of the seal of the prophets.



السلام على ابن

درود بر فرزند

Peace be upon the son

سید الأوصياء

سرور جانشینان *

of the chief of the executors.



السلام على ابن فاطمة الزهراء *

درود بر فرزند فاطمه زهرا *

Peace be upon the son of Fatima, the radiant.

السلام على ابن خديجة الكبرى *

درود بر فرزند خدیجه کبری (همراه و همسر پیامبر) *

Peace be upon the son of Khadija, the great.




 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى

درود بر فرزند سدره المنتهی (نمادی زیبا در بهشت) *

Peace be upon the son of the lote-tree in the outermost boundary (of Heaven).


 السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَاوَى

درود بر فرزند بهشت برین *

Peace be upon the son of the Garden of refuge.



السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر فرزند

Peace be upon the son

زَمَزَمَ وَالصَّفَا



زمزم و صفا *

of Zamzam and al-Safaa.



الَسَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالِدِّمَاءِ

درود بر آن غلتیده به خون *

Peace be upon him, who was saturated in (his) blood.

الَسَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخُبَاءِ

درود بر آنکه (حُرمت) خیمه‌گاهش پایمال شد *

Peace be upon him, whose tents were violated.



السلام على

درود بر پنجمین فرد
Peace be upon

خامس أصحاب الكساء *

از اصحاب کساء (که زیر عبای پیامبر بودند) *
the fifth of the People of the Cloak.



الَسَّلَامُ عَلَىٰ غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ ❁

درود بر غریب‌ترین غریبان *

Peace be upon the loneliest of the lonely.

الَسَّلَامُ عَلَىٰ شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ ❁

درود بر شهید شهیدان *

Peace be upon the (greatest) martyr of all martyrs.



اَلسَّلَامُ عَلٰی قَتِيْلِ الْاَدْعِيَاءِ

درود بر کشته شده به دست زناکاران *

Peace be upon him, who was slain by the individuals of illegitimate birth.

اَلسَّلَامُ عَلٰی سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ

درود بر ساکن (سرزمین) کربلا *

Peace be upon the one who is at rest in Karbala.



اَلسَّلَامُ عَلٰی

درود بر آن کسی که
Peace be upon the one

مَنْ بَكَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ

فرشتگان آسمان برایش گریستند *
for whom the heavenly Angels wept.



السلام علی

درود بر آن کسی که
Peace be upon

مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِيَاءُ

خاندانش پاک و مطهرند *

the one whose descendants are the pure.



السلام على يعسوب الدين

درود بر پیشوای دین *

Peace be upon the chief of the religion.

السلام على منازل البراهين

درود بر آن جایگاه‌های حجت‌های الهی *

Peace be upon the places of the (divine) proofs.



السلام على الأئمة السادات

درود بر آن پیشوایان بزرگوار *

Peace be upon the Imams, the masters (of mankind).

السلام على الجيوب المضرجات

درود بر آن گریبان‌های چاک خورده *

Peace be upon the bloodstained chests.



اَلسَّلَامُ عَلٰی الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ ❁

درود بر آن لب‌های خشکیده *

Peace be upon the parched lips.

اَلسَّلَامُ عَلٰی النُّفُوسِ الْمُصْطَلِمَاتِ ❁

درود بر آن جان‌های رنج کشیده *

Peace be upon the plucked souls.





السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ

دردود بر آن روح‌های رها شده (از جسم) *

Peace be upon the snatched spirits.



السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ

دردود بر آن جسدهای برهنه (افتاده بر خاک) *

Peace be upon the stripped corpses.



اَلسَّلَامُ عَلٰی الْجُسُوْمِ الشَّاحِبَاتِ

درود بر آن بدن‌های رنگ‌پریده (از رنج و آزار) *

Peace be upon the pallid bodies.

اَلسَّلَامُ عَلٰی الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ

درود بر آن خون‌های جاری (شده بر زمین) *

Peace be upon the gushing bloods.



السلام على الأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ

درود بر آن اعضای قطعه قطعه شده *

Peace be upon the dismembered limbs.

السلام على الرُّءُوسِ الْمُشَالَاتِ

درود بر آن سرهای بالا رفته (بر نیزه‌ها) *

Peace be upon the heads raised upon lances.



السلام على النسوة البارزات

درود بر آن بانوان بیرون آمده (از خیمه‌ها) *

Peace be upon the women (forcibly) exposed.

السلام على حجة رب العالمين

درود بر حجت پروردگار جهانیان *

Peace be upon the Proof of the Lord of the worlds.



السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو

Peace be upon you

وَعَلَىٰ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ

(ای حسین) و بر پدران پاکت *

and upon your pure ancestors.



السَّلَامُ عَلَیْكَ

درود بر تو

Peace be upon you

وَعَلَىٰ أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ

و بر فرزندان شهیدت *

and upon your martyred sons.



السلام عليك

درود بر تو

Peace be upon you

وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ

و بر فرزندان (و خاندان) یاری دهنده‌ات
and upon your children who aided (you).



السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو

Peace be upon you

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ

و بر فرشتگان ملازم آرامگاهت *

and upon the accompanying Angels.



السلام على القَتِيلِ المَظْلُومِ ❁

درود بر آنکه مظلومانه کشته شد *

Peace be upon the slain and the oppressed one.

السلام على أَخِيهِ المَسْمُومِ ❁

درود بر برادرش (حسن مجتبی) که مسمومش کردند *

Peace be upon his poisoned brother (Imam al-Hasan).



اَلسَّلَامُ عَلٰی عَلِيٍّ الْكَبِيْرِ

درود بر علی اکبر *

Peace be upon Ali, the elder (Ali al-Akbar).

اَلسَّلَامُ عَلٰی الرَّضِيْعِ الصَّغِيْرِ

درود بر شیرخوار کوچک *

Peace be upon the suckling infant (Ali al-Asghar).



السلام على الأبدان السليبة

درود بر آن بدن های برهنه شده *

Peace be upon the plundered bodies.

السلام على العترة القريبة

درود بر آن خاندان نزدیک (به پیامبر) *

Peace be upon the family and children who were nearby (the place

السلام على المجادلين

درود بر آنان که در بیابان ها

of martyrdom) [who where without support among strangers].

في الفلوات

به خاک افتادند *

Peace be upon the mangled corpses (left) in the desert.



الْسَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ

درود بر آنان که از وطن هاشان

Peace be upon those who were left far

عَنِ الْأَوْطَانِ

دور افتادند *

from their homeland.



السلام على المدفونين

درود بر آنان که بدون کفن،

Peace be upon those who were buried

بلا اكفان

دفنشان کردند *

without shrouds.



السلام عَلَى الرُّءُوسِ الْمُفَرَّقَةِ

درود بر آن سرهای جدا شده

Peace be upon the heads severed

عَنِ الْأَبْدَانِ

از بدن ها *

from the bodies.




 اَلسَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ

درود بر آن حسابگر (اعمال خویش برای خدا) و شکیبا *

Peace be upon the bereaved and the patient one.


 اَلسَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرٍ

درود بر آن مظلوم بی یاور *

Peace be upon the oppressed one who was without a helper.



اَلْسَّلَامُ عَلٰی

درود بر آنکه

Peace be upon

سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاهِيَةِ

در خاک پاک (کربلا) جای گرفته *

the inhabitant of the purified soil.



اَلسَّلَامُ عَلٰی

درود بر

Peace be upon

صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ

صاحب آن آستان والا مرتبه *

the possessor of the lofty dome.



اَلسَّلَامُ عَلٰی

درود بر آن کسی که
Peace be upon him,

مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ

خداوند بلندمرتبه، او را پاک قرار داد
whom the Almighty purified.



السلامُ على

درود بر آن کسی که
Peace be upon him,

مِنْ أَفْتَخَرِ بِهِ جَبْرَائِيلُ

جبرئیل به او مفتخر بود *
of whom Gabriel (Jabra'il) was proud.



السلام على

درود بر آن کسی که

Peace be upon the one

من نأغاه في المهد ميكائيل

میکائیل در گهواره با او به نرمی سخن گفت *

to whom Michael (Mika'il) spoke tenderly in the cradle.



الْسَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكِثَتْ ذِمَّتُهُ و

* درود بر آن کسی که عهد و پیمان با او، شکسته شد

Peace be upon the one whose pact was broken.

الْسَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ و

* درود بر آن کسی که پرده حرمتش را پاره کردند

Peace be upon the one whose rights and dignity were violated.



السلام على

درود بر آن کسی که

Peace be upon

من أريق بالظلم دمه و

خونش، به ظلم ریخته شد *

the one whose blood was shed unjustly.



الَسَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ

درود بر آنکه با خون زخم‌هایش،

Peace be upon the one who was bathed in the blood

بِذَمِ الْجِرَاحِ

غسل داده شد *

of his wounds.



السلام على المجرع

درود بر آنکه از جام‌های نیزه‌ها،

Peace be upon the one who tasted

بِكَاسَاتِ الرِّمَاحِ ❁

جرعه نوشید *

the spears raining down over his body.



السلام على المضام المستباح

درود بر آن مظلومی که (ریختن) خونش را مباح کردند *

Peace be upon the one against whom people came together and made lawful

السلام على المنحور في الوری

درود بر آن کسی که سرش از پشت بریدند *

the shedding of his blood. Peace be upon the one slaughtered in public.

السلام على

درود بر آنکه

Peace be upon

مَنْ دَفَنَهُ وَ أَهْلُ الْقُرَى

(بدنش روی زمین بود تا آنکه) اهل قریه‌ها دفنش کردند *

the one who was buried by the strangers from (nearby) villages.



السَّلَامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتَنِ ❁

درود بر آنکه رگ گردنش را بریدند *

Peace be upon the one whose aorta was severed.

السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلا مُعِينِ ❁

درود بر آنکه دفاع (از دین) کرد و حمایت نشد *

Peace be upon the defender who had no helper.




 اَلْسَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ اَلْخَضِيبِ

درود بر آن محاسن به خون رنگین شده *

Peace be upon the gray hair that was dyed (with blood).


 اَلْسَّلَامُ عَلَى اَلْخَدِّ التَّرِيبِ

درود بر آن صورت خاک آلود *

Peace be upon the cheek that struck the dust.



السلام

درود بر

Peace be upon

عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيْبِ

آن بدن برهنه *

the butchered body.



السلام على الشجر المقروع

درود بر آنکه (از کینه) بر دندان‌ش

Peace be upon the front teeth that were beaten

بِالْقَضِيبِ

چوب زدند *

with a rod.



السَّلَامُ

درود بر

Peace be upon

عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ

آن سری که بالای نیزه شد *

the head raised (upon a lance).



الْسَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ

درود بر آن بدن های برهنه در

Peace be upon the unclothed corpses

فِي الْفَلَوَاتِ

بیابان ها (ی کربلا) *

in the desert,



تَنْهَشُهَا الذِّئَابُ الْعَادِيَاتُ

که گرگ‌های تجاوزگر به آن دندان می‌آلودند *

bitten by wild wolves

وَتَحْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ

و درندگان خونخوار بر گرد آن می‌گشتند *

and around whom the beasts of prey prowled.



اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

درود بر تو

Peace be upon you,

یَا مَوْلَا

ای مولای من

O my master,



وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُرْفِرِينَ

و بر فرشتگانی که بر اطراف حرمت
and the Angels who flutter

حَوْلَ قِبْتِكَ

پر می کشند *
around your dome,



اَلْحَافِيْنَ بِتُرْبَتِكَ

در حریم حرمت گرد آمده
surround your grave,

اَلطَّائِفِيْنَ بِعَرَصَتِكَ

و در صحن آستان تو طواف می کنند
circumambulate your courtyard,



اَلْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ



برای زیارت تو وارد می شوند
and come for your visitation.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ فَاِنِّي قَصَدْتُ اِلَيْكَ



درود بر تو، به راستی که من عزم سوی تو کرده ام
Peace be upon you! Indeed, I intended your visitation,



وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ

و در نزد تو، امید به

and I am hopeful of achieving the prosperity

لَدَيْكَ

رستگاری دارم *

that is with you.



السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو،

Salutations to you,

سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ

درود کسی که به احترام شما آگاه است *

Salutations from he who recognizes your sanctity,



الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ



و در دوستی شما خالص است *

is a sincere (believer) in your guardianship,

الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ



و به (واسطه) دوستی شما، به خداوند نزدیک تر شده *

seeks nearness to Allah through your love,



الْبَرِيءِ

و از دشمنانتان
and is aloof

مِنْ أَعْدَائِكَ

دوری جسته است *
from your enemies,



سَلَامٌ مِّنْ قَلْبِهِ  بِمُصَابِكَ مَقْرُوح 

درود کسی که قلبش از رنج‌های شما فشرده و جریحه‌دار است *

Salutations from the one whose heart is wounded due to the tribulations

وَدَمْعُهُ  عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوح 

و اشکش با یاد شما، ریزان است *

you have suffered, and whose tears flow in your remembrance,



سَلَامُ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ

درود کسی که مصیبت دیده و غمناک است
 Salutations from the one who is distressed, grief-stricken,

أَلْوَالِهِ الْمُسْتَكِيرِ

شیفته و آشفته حال است
 distracted, and yielding,



سَلَامٌ مِّنْ لَّوْكَانَ مَعَكَ

درود کسی که اگر (در کربلا)

Salutations from the one, who, had he been present with you

بِالطَّفُوفِ

با تو بود *

in that plain,



لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ

جانش را سپر شمشیرها (یی که
would have shielded you

حَدَّ السَّيُوفِ

بر تو کشیدند) می نمود *
from the sharpness of the swords with his body



وَبَذَلَ حُشَاشَتَهُ

و این جان ناقابلش را
and sacrificed

دُونِکَ لِلْحَتُوفِ

در مقدم تو ایثار می کرد
his last breath for you,



وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ



و در رکاب تو جهاد می کرد
would have struggled beside you,

و نَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ



و تو را (در این محشر) بر علیه ستمکاران یاری داده
helped you against the aggressors,



وَفَدَّاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ

و جان و تن و مال و فرزندش را
and redeemed you with his soul, body,

وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ

فدای تو می نمود *
wealth, and children,



وَرُوحَهُ وَلِرُوحِكَ فِدَاءٌ

و جانش را فدای جان تو *

(Salutations from the one) whose soul is a sacrifice for yours,

وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءٌ

و خانواده‌اش را سپر بلای اهل بیت تو می‌کرد *

and whose family is a shield for yours.



فَلَيْنَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ ❁

اگرچه در روزگار دیگری قرار گرفتم *

But as I have been hindered by the course of time

وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ ❁

و تقدیر یاری تو را نیافتم *

and as (Allah's) decree has prevented me from helping you,



وَلَمْ أَكُنْ

و نبودم تا
and as I could not

لِمَنْ حَارِبِلَهُ مُحَارِبًا

با آنانکه با تو جنگیدند بجنگم *
fight those who fought you,



وَلِمَنْ نَصَبَ

و با کسانی که

and was not able to show hostility to

لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا

با تو دشمنی کردند دشمنی کنم *

those who showed hostility to you,



فَلَا نَذُبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً



پس اکنون هر صبح و شام بر تو سوگواری می کنم *
I will, therefore, lament you morning and evening,

وَلَا بَكِيْنٌ لَّكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا



و به جای اشک، برای تو خون گریه می کنم *
and will weep blood in place of tears,



حَسْرَةٌ عَلَيَّ



از روی حسرت *

out of my anguish for you

وَتَأْسَفًا عَلَىٰ مَا دَهَاكَ



و تأسف، به خاطر مصیبت‌هایی که بر تو وارد شد *

and my sorrow for all that



وَتَلَهَّفَا حَتَّىٰ أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ

تا اینکه از اندوه مصیبت (ی که بر تو وارد شده)

befell you, until I meet death from the pain of the catastrophe

و غُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ

* و شدت غم و غصه، جان سپارم *

and the choking grief.



أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ

گواهی می‌دهم که تو نماز را برقرار داشتی *

I bear witness that you certainly established prayer,

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ

و زکات دادی *

gave alms,



وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ

و توصیه به نیکی کردی *
enjoined good,

وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ

و از بدی و دشمنی برحذر داشتی *
forbade evil and transgression,



وَأَطَعْتَ اللَّهَ

و اطاعت خدا کردی
obeyed Allah,

وَمَا عَصَيْتَهُ

و از نافرمانی وی به دور بودی
never disobeyed Him,



وَتَمَسَّكَتْ بِهِ وَجَبِلَهُ فَأَرْضَيْتَهُ 

و به ریسمان خدا چنگ زدی به او متصل شدی و او را از خود، راضی نگه داشتی
and held fast to Him and to His rope. Then, you pleased Him,

وَخَشِيتَهُ وَرَاقَبْتَهُ

* و از وی پروا داشتی، مراقبه کردی،
held Him in awe, were attentive towards Him,



وَأَسْتَجَبْتَهُ  وَسَنَنْتَ السُّنَنَ 

و او را اجابت نمودی * و سنت های نیکو بنا کردی
and were responsive to Him, established the customs (of the

وَأَطْفَأَتِ الْفِتَنَ 

و آتش های فتنه ها را خاموش نمودی *
Prophet (PBUH&HF)), **extinguished** turmoil (in religion),



وَدَعَوْتِ إِلَى الرَّشَادِ

و دعوت به رشد (و شکوفایی) کردی *
invited people to rectitude,

وَأَوْضَحَتِ سُبُلَ السَّادِ

و راه‌های درست را آشکار نمودی *
clarified the ways of righteousness,



وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ

و در راه خدا، تلاش شایسته‌ای مبذول داشتی *
and truly strove in the way of Allah.

و كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا

و مطیع خداوند بودی *
You were an obedient one to Allah,



وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ

و از جدت محمد

a follower of your grandfather, Muhammad,

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا

«که درود خدا بر او و خاندانش باد» پیروی کردی *

peace be upon him and his family,



وَلِقَوْلٍ آتِيٍّ سَامِعًا

و شنوای کلام پدرت علی بودی *
heedful of the saying of your father,

وَإِلَىٰ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا

و در (انجام) سفارش برادرت (امام حسن) جدیت کردی *
quick to execute the will of your brother,



وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا



و پرچم دین را برافراشتی *

an erector of the pillars of the religion,

وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا



و سرکوب‌کننده طاغوت *

a suppressor of tyranny,



وَلِلطَّغَاةِ مُقَارِعًا ﴿١١٣﴾

و کوبنده سرکشان بودی *
an advancer on the transgressors,

وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا ﴿١١٤﴾

و مردم را نصحیت (و دعوت به آزادگی) می کردی *
and a sincere exhorter for the nation,



وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا

در هنگامی که در گرداب مرگ
a traveler into mortal throes,

وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا

و مبارزه‌کننده با فاسقان بودی
a warrior against the wretched,



وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا

و برپاکننده نشانه‌ها و براهین الهی بودی *
and a maintainer of Allah's proofs (on earth),

وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا

و بر اسلام و مسلمین عطوفت می‌کردی *
compassionate towards Islam and Muslims,



وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا



و یاری‌گر حق بودی
a champion of truth

وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا



و در هنگام سختی، شکیبایی ورزیدی
and most patient in adversity,



وَلِلدِّينِ كَالِئًا



و حافظ و مراقب دین *

a protector for the religion,

وَعَنْ حَوَازَتِهِ مُرَامِيًا



و مدافع حریم آن بودی *

and a defender of its domain.



تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ 

(طریق) هدایت را حفظ و یاری می نمودی *

You safeguarded the right path and supported it,

وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ 

و عدالت را وسیع کرده و آن را نشر دادی *

spread justice and promoted it,



وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ 

و دین الهی را یاری کرده و (حقیقت) آنرا آشکار می نمودی
advocated the faith and manifested it,

وَتَكْفُ الْعَاثِبِ وَتَرْجُرُهُ 

و یاوه‌گویان را بازداشتی و (از ادامه راه) منعشان کردی
restrained and reproached the frivolous,



وَتَأْخُذْ لِدَنِي

حق ضعیف را

took back (the rights) of the lowly

مِنَ الشَّرِيفِ

از قوی می ستاندی *

from the privileged,



وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ

و در داوری بین ضعیف و قوی،
and were equitable in your arbitrations

بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ

برابر حکم می کردی *
between the weak and the strong.



كُنْتَ رَبِيعَ الْاَيْتَامِ

تو بهاری برای یتیمان بودی *
You were the springtime of the orphans,

وَعِصْمَتِ الْاِنَامِ

و حافظ مردم *
the protection of humanity,



وَعِزُّ الْإِسْلَامِ * وَمَعْدِنُ الْأَحْكَامِ

و مایه عزت و سرافرازی اسلام * و محل صدور احکام الهی
the glory of Islam, the treasure of divine laws,

وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ

و هم پیمان نیکی بودی *
and a relentless ally of benevolence.



سَالِكًا طَرَائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ

ادامه دهنده راه جد و پدرت *

You pursued the path of your grandfather and your father,

مُشَبِّهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ

و در توصیه‌ها، همچون برادرت بودی *

resembled your brother in will,



وَفِي الذِّمَمِ

و پایبند به پیمان‌ها *

were loyal to your obligations,

رَضِيَ الشِّيمِ

دارای خلق و خوی پسندیده *

possessed pleasant manners,



ظَاهِرَ الْكَرَمِ

و کرامت آشکار بودی
embodied generosity,

مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ

شب‌زنده‌دار (به عبادت) در دل شب‌های تاریک
and spent the darkness (of night) in prayer.



قَوِّيمَ الطَّرَاقِ

میان‌رو در روش‌ها (و کارها) *

You were the straightest path,

كَرِيمَ الْخُلَاقِ عَظِيمَ السَّوَابِقِ

با اخلاق کریمانه بودی * دارای سابقه با عظمت (و ارزشمند) *

the most generous of the creation, and had the brightest record.



شَرِيفَ النَّسَبِ

دارای نسب شریف *

You were of great ancestry,

مُنِيفَ الْحُسْبِ

و رأی و نظر والا *

noble descent,



رَفِيعَ الرُّتَبِ * كَثِيرَ الْمُنَاقِبِ *

با درجات رفیع و عالی * مناقب و فضائل بسیار
and lofty rank. You possessed plentiful merits,

مَحْمُودَ الصُّرَائِبِ *

سرشت‌ها و طبیعت‌های مورد ستایش
praiseworthy manners,



جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ * حَلِيمَ رَشِيدٌ

و با موهبت‌هایی بزرگ * بردبار، رشد یافته بودی
and were abundant in endowments. You were forbearing, upright,

مُنِيبٌ جَوَادٌ * عَلِيمٌ شَدِيدٌ

بسیار به سوی خدا روی می‌آوردی، و سخاوتمند * دانا و قاطع بودی
always turning (to Allah), generous, knowledgeable, strong,



إِمَامٌ شَهِيدٌ * أَوَاهُ مُنِيبٌ

پیشوای شهید * بسیار گریان (در پیشگاه خداوند) *

a martyred Imam, grieved, repentant with earnest prayers (to Allah),

حَبِيبٌ مَّهِيبٌ

محبوب و باهیت بودی *

dearly loved, and awesome.



كُنْتَ لِلرَّسُولِ

تو برای پیامبر

You were to the Messenger,

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَدًا

«که درود خدا بر او و خاندان او باد» فرزند *

peace be upon him and his family, a son,



وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا

و برای قرآن پشتوانه بودی *
for the Quran, an authority [a savior],

وَلِلْأُمَّةِ عِزْدًا

و برای امت (اسلام) بازو(ی توانا) *
and for the nation, a support.



وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا



و در طاعت (حق) کوشا بودی
You were diligent in obedience,

حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ



تو نگهدارنده عهد و پیمان
a protector of the covenant and oath,



نَاكِبًا

دوری کننده
keeping away

عَنْ سُبُلِ الْفَسَاقِ ❁

از راه‌های فاسقان بودی
from the paths of the debauched,



بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ

تو آنچه درتوان داشتی (برای رسیدن به هدف الهی خود) بذل نمودی *
sparing no effort (in fulfilling the duties),

طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسَّجُودِ

رکوع و سجودت طولانی بود *
performing prolonged bowing and prostrations,



زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا

تو مانند کسی که از دنیا
abstaining from the world,

زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا

رخت برخواهد بست، از آن روگردان بودی *
like one who is departing from it,



نَاظِرًا إِلَيْهَا

نگاه تو به دنیا
looking upon it (the world)

بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا



همچون نگاه ترسندگان (از فریب و مکر) آن بود *
through the eyes of one estranged (from it).



عَامَالُكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ

از آرزوهای دنیوی دل کنده *

Your desires from it (the world) were abstentious,

وَاهِمَّتُكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ

و برای رسیدن به زینت‌ها (ی مادی) تلاش نمی‌کردی *

your efforts were far-removed from its embellishments,



وَأَحْضَاظُكَ

دیدگانت را
your glances

عَنْ بِهَجَّتِهَا مَطْرُوفَةٌ

از شادی‌های (زودگذر دنیا) برگرفتی *
removed from its joys,



وَرَغِبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ

و اشتیاق تو به جهان باقی، نمایان بود *
and your desire for the hereafter was well-known,

حَتَّى إِذَا الْجُورُ مَدَّ بَاعَهُ

تا آنکه جور و ستم، دست تعدی دراز کرد *
even when tyranny became wide-spread,



وَأَسْفَرَ الظُّلُمَ قِنَاعَهُ ﴿١٤٢﴾

و ظلم و سرکشی نقاب از چهره برکشید *
injustice removed its veil,

وَدَعَى الْغَىٰ اتِّبَاعَهُ ﴿١٤٣﴾

و گمراهی، پیروان خویش را فرا خواند *
wickedness called upon its followers,



وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ ﴿١٤٣﴾

با آنکه تو در حرم جدت ساکن بودی *

and you were residing in the sanctuary of your grandfather,

وَاللِّظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ ﴿١٤٤﴾

و از ستمکاران فاصله گرفته بودی *

detached from the oppressors,



جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ

در منزل و محراب (به عبادت) نشسته *
sitting in the house and the prayer niche,

مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ

و از لذت‌ها و شهوات (دنیوی) کناره‌گیری کرده بودی *
unattached to (worldly) pleasures and carnal desires,



تُكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِلسَانِكَ

بدی ها را با قلب و زبانت انکار می نمودی *

and renouncing evil in your heart and on your tongue

عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ

در حد طاقت و توانت *

to the extent of your strength and ability.



ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ ❁

سپس آگاهی و علم تو (به این تباهی)، مقتضی بر انکار (عملی) آن شد
 Then the knowledge demanded you for disavowal (of falsehood),

وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفَجَّارَ ❁

و بر تو لازم گشت که با بدکاران جهاد کنی
 and made it incumbent on you to struggle against the deviant.



فَسِرْتُ فِي أَوْلَادِكَ وَآهَالِكَ ❁

پس همراه فرزندان و خانوادهات ❁

Therefore, you set out in company of your children, kinsfolk,

وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِكَ ❁

و پیروان و دوستانت روانه شدی ❁

followers, and supporters,



وَصَدَعْتُ بِالْحَقِّ

و حق و برهان را
disclosed the truth

وَالْبَيِّنَةِ

آشکار نمودی *
and clear proofs,



وَدَعَوْتُ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ

و با حکمت و اندرز نیکو، (مردم را)

summoned people towards Allah with wisdom

وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ

به سوی خدا فرا خواندی *

and fine exhortation,



وَأَمَرْتُ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ

و بر به پاداشتن حدود الهی *

ordered the establishment of the limits of divine law,

وَالطَّاعَةَ لِلْمَعْبُودِ

و فرمانبرداری از معبود، امر نمودی *

and the obedience to the One Who should be worshipped,



وَنَهَيْتَ عَنِ الْخُبَائِثِ

و از پلیدی‌ها و سرکشی،
and forbade (people) from wickedness

وَالطُّغْيَانِ

نهی فرمودی *
and oppression.



وَأَجْهَلَكَ بِالظُّلْمِ

ولی آنها از روی ستم و دشمنی،
But, they confronted you with injustice

وَالْعُدْوَانِ

رودر روی تو قرار گرفتند *
and aggression.



فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِعْازِ إِلَيْهِمْ ﴿١٥٣﴾

پس تو نیز با آنان به جهاد برخاستی پس از آنکه ایشان را نصیحت کردی
Therefore, you resisted them after advising them

وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ ﴿١٥٤﴾

(و آنان حق را نپذیرفتند) * و بر دلایل خود تأکید نمودی
and stressing over (divine) proofs against them.



فَنَكَثُوا ذِمَّتَكُمْ وَبَيَّعَتْكُمْ

اما عهد و بیعت تو را شکستند *

However, they violated your (divine) rights and oath.

وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ

و پروردگارت و جدت را به خشم آوردند *

angered your Lord and your grandfather,



وَبَدَأُوكَ بِالْحَرْبِ



و با تو به جنگ برخاستند
and initiated battle against you.

فَثَبْتَ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ



پس تو در برابر ضربات نیزه و شمشیر، مقاومت کردی
Hence, you stood firm to spear and strike,



وَطَحَنَتْ جُنُودَ الْفَجَّارِ ❁

و لشکریان بدکار را به هلاکت رساندی *
pulverized the soldiers of the transgressors,

و اقْتَحَمَتْ قَسَطْلَ الْغُبَّارِ ❁

و در گرد و غبار نبرد فرو رفتی *
and stormed (courageously) into the dust of the battle,



مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ

چنان با ذوالفقار جنگیدی
fighting with Thulfaqar

كَأَنَّكَ عَلَى الْمُخْتَارِ

که گویا علی مرتضی (برگزیده خدا) هستی
as if you were Ali, the chosen one.



فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتًا جَمَاشٍ

پس چون تو را ثابت قدم
So when they saw you firm,

غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ

و بدون ترس و هراس دیدند
fearless, and courageous,



نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ

با مکر و حيله برای تو دام گستردند *

they set up their most malicious deceptions against you,

وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ

و با نیرنگ و شرارت با تو جنگیدند *

and fought you with their deceit and viciousness.



وَأَمَرَ اللَّعِيرُ جُنُودَهُ ﴿١٦٠﴾

و آن ملعون، لشکریانش را فرمان داد *

The accursed one (Umar Ibn Sa'd) commanded his soldiers,

فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ ﴿١٦١﴾

تا تو را از آب و ورود (به محل آن) بازداشتند *

and thus, they prevented you from reaching or receiving water.



وَنَاجِزُوكَ الْقِتَالَ



و با تو جنگ کردند *

They rushed to engage you in combat,

وَعَاجِلُوكَ النَّزَالَ



و به مبارزه با تو شتافتند *

descended swiftly upon you,



وَرَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ وَالنِّبَالِ ❁

و تیرها و خدنگ‌ها به سوی تو پرتاب کردند
 showering you with arrows and stones,

وَبَسَطُوا إِلَيْكَ الْإِصْطِلَامَ ❁

و برای استیصال و ناچار نمودن تو، دست‌اندازی کردند
 and moving towards you with uprooting hands.



وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمًّا

و حرمت تو را نگه نداشتند *

Neither they respected your rights,

وَلَا رَأَوْا فِيكَ آثَامًا

و از هیچ گناهی در مورد تو خودداری نکردند *

nor were they mindful of retribution



فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ

چه درکشتن یارانت
for slaying you and your companions,

وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ

و چه در غارت خیمه‌هایت
and plundering your belongings.



وَأَنْتَ مُقَدِّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ

و تو در گرد و غبارهای جنگ پیش تاختی *

You were in the front line of the storm (of battle),

و مُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَانِ

و آزارها را تحمل کردی *

enduring afflictions.



قَدْ عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ

همانا فرشتگان آسمان ها از صبر
Indeed, the angels of the heavens

مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ

و شکبائی تو به شگفت آمدند *
were astonished by your patience.



فَاَحْدَقُوا بِكَ

پس (بدکاران) از همه طرف،

The enemy then surrounded you

مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ

* گرداگرد تو حلقه زدند

from all sides,



وَأَثَخْنُوكَ بِالْجِرَاحِ

* و با زخم‌های فراوان، تو را از پای درآوردند
weakened you by inflicting wounds,

وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوحِ

* و راه‌هایی را بر تو بستند
prevented you from taking any repose,



وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ ﴿١٦٩﴾

و هیچ یاورى برايت نمانده بود
and you had no helper remaining.

وَ أَنْتَ مُحْتَسِبٌ ﴿١٧٠﴾

و تو اين همه را به حساب خدا نهاده و شکیبا بودى
You were bereaved yet patient,



تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ ❁

از زنان و فرزندان دفاع می‌کردی
defending your women and children,

حَتَّى نَكْشُوكَ عَنْ جَوَادِكَ ❁

تا آنکه تو را از اسبت سرنگون ساختند
until they caused you to fall from your horse.





فَهَوَّيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحًا

و تو با بدن مجروح بر زمین افتادی *

You fell to the ground, wounded,

تَطَوُّكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا

و اسب‌ها تو را با سم‌های خویش لگدکوب کردند *

horses trampled you with their hooves,



وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا

و تجاوزگران با شمشیرهایشان به تو ضربه می زدند
 tyrants raised their swords against you,

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ

تا عرق مرگ بر پیشانیت نشست
 the sweat of death appeared on your forehead,



وَ اخْتَلَفَتْ بِالْاِنْقِباْضِ

و سمت راست و چپ بدن تو،
and you continually clenched

وَ الْاِنْبِساْطِ شِمَالِكَ وَيَمِيْنِكَ

(در حال جان سپردن) منقبض و منبسط می شد *
and unclenched your hands,



تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا

با گوشه چشم به جانب خِیام
secretly gazing upon

إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ

و حَرَمَتِ نَگاه کردی *
your caravan and tents,



وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ

در حالی که (مرگ) تو را از (توجه به) زنان
while trapped by yourself away

عَنْ وَلَدِكَ وَأَهْلَائِكَ

و فرزندان، به خویش معطوف کرده بود *
from your children and family.



وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا ﴿١٧٦﴾ إِلَى خِيَامِكَ

و اسب تو شیبه کشان و گریه کنان *

(At that time,) **your horse distractedly galloped towards**

قَاصِدًا ﴿١٧٧﴾ مُحْمِحِمًا بِأَكْيَا ﴿١٧٨﴾

به جانب خیمه ها شتافت *

your camp, neighing and crying.





فَلَمَّا رَأَيْنِ النِّسَاءُ جَوَادَكَ مَخْزِيًا

* پس چون بانوان حرم، اسب تو را به این حال زار دیدند

When the women saw your horse distraught,



وَنَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبًا

* و زین را بر او واژگونه یافتند

and observed your saddle contorted,



بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ

از پس پرده‌ها (ی خیمه) خارج شدند
they came from the tents,

نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ

درحالی که گیسوانشان را به چهره‌ها (به نشانه عزاداری) پریشان می‌کردند
disheveling their hair,



عَلَى الْخُدُودِ لِأَطْمَاتِ الْوُجُوهِ

بر صورت‌های خود سیلی می‌زدند *
striking their now unveiled cheeks,

سَافِرَاتٍ * وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ

و با صدای بلند، شیون می‌کردند *
calling you by lamenting and wailing,



وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ

و پس از عمری زندگی با عزت، به چنین خواری گرفتار شده بودند *
being humiliated after being honored,

وَإِلَى مَصْرِعٍ مُّبَادِرَاتٍ

و به سوی قتلگاه تو می شتافتند *
hastening to where you lay wounded.



وَالشِّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ ﴿١٨١﴾

در آن حال شمر بر سینه (مبارک) تو نشسته *
At that time Shimr (L) was sitting on your chest,

وَمَوْلِعٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ ﴿١٨٢﴾

و شمشیرش را زیر گلویت گذاشته بود *
quenching his sword with (the blood of) your throat,



قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ

با دستی محاسن (شریف) تو را در دست گرفته
grabbing your beard with his hand,

ذَا بَحَ لَكَ بِمُهْنَدِهِ

و با شمشیر تیزش، سر از بدنت جدا کرد
as he slew you with his sword.



قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسُكَ ❁

تمام حواست باز ایستاد
Your faculties faded,

وَ خَفِيتَ أَنْفَاسُكَ ❁

و نفس‌هایت (در سینه) پنهان شد
your breath became shallow and ceased,



وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ

و سر (مقدس) تو بر نیزه
and your head was raised

رَأْسًا

بالا رفت *
onto a spear.



وَسَبِيَّ أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ

اهل بيت تو چون بردگان به اسیری رفته *

Your family were captured like slaves,

وَصَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ

و در غل و زنجیر *

bound with iron



فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيطَاتِ

بر فراز شتران، در بند شدند
chains atop camels,

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ

گرمای (آفتاب) چهره‌هایشان را می‌سوزاند
with midday heat scorching their faces.



يُسَاقُونَ فِي الْبُرَى

در صحراها و بیابان ها

They were driven across deserts

وَالْفَلَوَاتِ

کشیده می شدند *

and wastelands,



أَيْدِيهِمْ مَّغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ

دستانشان به گردن ها زنجیر شده
with their hands chained to their necks,

يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ

در میان بازارها گردانده می شدند
and were paraded around the markets.



فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَاقِ

وای بر این سرکشان گناهکار
Woe be unto the wicked transgressors!

لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكِ الْإِسْلَامَ

که (به یقین) با کشتن تو، اسلام را کشتند
Certainly, by killing you, they have killed Islam,



وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ

و نماز و روزه را (تضعیف و) تعطیل کردند *

disrupted (the truth of) prayer and fasting,

وَنَقَضُوا السُّنْنَ وَالْأَحْكَامَ

و سنتها و احکام (دین) را نقض کردند *

revoked the (prophetic) customs and the (divine) laws,



وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ



و پایه‌های ایمان را منهدم *
destroyed the pillars of faith,

وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ



و آیات قرآن را تحریف کردند *
distorted the verses of the Quran,



وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ

و در (وادی) جنایت و دشمنی
and brutally rushed into tyranny

وَالْعُدْوَانِ

پیش رفتند *
and aggression.



لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ

به راستی رسول خدا

Certainly, (by this event,) the Messenger of Allah (PBUH&HF)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا ❁

«که درود خدا بر او و خاندان او باد» (با شهادت تو) تنها ماند
was wronged, left alone, and denied vengeance,



وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ

و کتاب خداوند عز و جلّ (قرآن)
the Book of Allah, the mighty and the majestic,

عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا

متروک گردید *
was again abandoned,



وَاغْوَدِرَ الْحَقُّ اِذَا قَهِرْتَ مَقْهُورًا

و آنگاه که تو مغلوب گشتی، حق مورد خیانت واقع شد
truth was betrayed when you were forcibly overcome,

وَفَقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ

و در نبود تو، تکبیر خدا و کلمه توحید
And with your loss, call for Allah's glorification and His Unity,



وَالْتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ

حرام و حلال دین *

His prohibitions, sanctions,

وَالْتَنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ

تنزیل و تأویل قرآن از بین رفت *

revelation, and interpretation were lost.



وَاظْهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ

و پس از تو، تغییر و دگرگونی *

After you, alteration, distortion,

وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ

بی دینی و تعطیلی (احکام) *

infidelity, abandonment (of the Islamic laws),



وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ ❁

هوی و هوس ها و گمراهی ها
vagary, misguidance,

وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ ❁

فتنه ها و باطل ها ظاهر شدند
turmoil and falsehood became prevalent.



فَقَامَ نَاعِيْلٌ

پس پیک (خبر دهنده شہادت تو)

The announcer of your martyrdom

عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ

نزد قبر جدت رسول خدا

came near the grave of your grandfather,



صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَالِهٖ

«که درود خدا بر او و خاندانش باد» ایستاد *
the Messenger (PBUH&HF),

فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالْدمِّعِ الْهَطُولِ

و اشک ریزان، خبر مرگ تو را به وی داد *
gave the news to him with tears flowing,



قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ

و گفت: ای رسول خدا،
saying: O the Messenger of Allah!

قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ

نوه جوانمردت کشته شد *
Your brave grandson was slain,



وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ ❁

و حرمت خاندان و حریمت شکسته شد *

and abuse of your family and supporters were deemed lawful.

وَ سُيِّتَ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ ❁

پس از تو، فرزندان به اسیری رفتند *

After you, your progeny were captured,



وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِزَّتِكَ

و دشواری‌ها و مصائب، بر عترت
and adversity befell your family

وَذَوِيلٌ

و خانواده‌ات وارد شد *
and your offspring.



فَإِنْزَعَجَ الرَّسُولُ

پس (از شنیدن این خبر)، رسول خدا پریشان شد *
Indeed, the Messenger (PBUH&HF) became distressed

وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ

و قلبش مضطربانه گریست *
and his depressed heart wept,



وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ

و فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند *

The Angels and the prophets offered their condolences to him for your

وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْرَاءُ

و مادرت زهرا اندوهناک شد *

martyrdom, Your mother, al-Zahra, became distressed and bereft of you,

وَ اخْتَلَفَتْ

و دسته های

Legions of favored Angels

جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ

فرشتگان مقرب، در رفت و آمد بوده *

came in waves to offer their condolences



تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ



(و) به پدرت امیر مؤمنان تعزیت می گفتند *

to your father, the Leader of the Faithful, Mourning

وَأَقِيمَتْ لَكَ الْمَعَاتِمُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ



و مجالس سوگواری برای تو در عرش الهی برپا شد *

commemorations were held for you in the utmost exalted place Heaven,



وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ ❁

و حوریان بهشتی به خاطر (عزای) تو، به سر و صورت زدند
and the dark-eyed Maidens (of Paradise) hit their own heads and

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا ❁

و (در عزای تو) گریه کردند آسمان و ساکنانش
faces in grief, The skies and their inhabitants wept,



وَالْجَنَّاتُ وَخُزَانُهَا

و بهشت‌ها و نگهبانانش
as did Paradise and its keepers,

وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا

و کوه‌ها و دامنه‌هایشان
the mountains and their surroundings,



وَالْبَحَارُ وَحَيْثَانُهَا

و دریاها و ماهیانش *
the oceans and their fishes,

وَالْجَنَّاتُ وَلِذَانُهَا

و فردوس‌ها و جوانانش *
the heavens and their servants,



وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ

و كعبه و مقام ابراهيم *
the House (Ka'ba), and the Station (of Abraham),

وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ

و مشعر الحرام *
the Sacred Monument,



وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ * اَللّٰهُمَّ

و حلّ و احرام (=کسانی که در احرام بودند) * خدايا
and Mecca and its sanctuary. O Allah!

فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُتَنِيفِ *

به حرمت این مکان شریف *

By the sanctity of this exalted place (the tomb of Imam al-Husain (PBUH)),

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندانش
bestow blessings upon Muhammad

وَأٰلِ مُحَمَّدٍ

درود فرست *
and the family of Muhammad,



وَاَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ

و مرا در زمره آنان محشور فرما *
assemble me in their company,

وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ

و به شفاعت آنها مرا وارد بهشت گردان *
and admit me to Paradise by their intercession.



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ

خداوندا من به تو توسل می جویم

My Allah! I implore You,

یا اَسْرَعَ الْحَاسِبِیْنَ

ای سریع ترین حسابگران *

O He who is the quickest of the reckoners!



وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

و ای بخشنده‌ترین کریمان *

O the most generous of the generous

وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

و ای برترین حاکمان *

and the wisest of judges!



بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

به (حق) محمد آخرین پیامبران
By Muhammad, the seal of the prophets,

رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ

و فرستاده تو به سوی تمام جهانیان
Your Messenger to all the worlds,



وَبِأَخِيهِ

و به (حق) برادرش
By his brother

وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبُطَيْنِ

و پسرعمویش آن بلندپیشانی *
and cousin, the uprooter of hidden polytheism,



اَلْعَالِمِ الْمَكِينِ

دانشمند عالی مرتبه *
the distinguished and learned,

عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

علی امیرمؤمنان *
Ali, the Prince of the Faithful,



وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و به (حق) فاطمه سرور بانوان جهان *

By Fatima, the chief of women of the worlds,

وَبِالْحُسَيْنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ

و به (حق) حسن، پاک و مبرا (از بدی ها و گناه)، پناهگاه باتقوایان *

By al-Hasan, the purified one and the protection of the pious,



وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

و به (حق) ابی عبدالله الحسین

By Abi Abdillah, al-Husain,

اَكْرَمَ الْمُسْتَشْهِدِينَ

گرامی ترین شهیدان *

the most honored martyr,



وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ

و به (حق) فرزندان کشته شده‌اش *

By his slain children

وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ

و خانواده مظلومش *

and oppressed family,





وَبِعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ

و به (حق) علی بن الحسین، زینت عبادت‌کنندگان *

By Ali Ibn al-Husain, the ornament of the worshippers,



وَبِمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةِ الْأَوَابِينَ

و به محمد بن علی، قبله (و الگوی) توبه‌کنندگان *

By Muhammad Ibn Ali, the direction of those who turn to Allah,



وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و جعفر بن محمد،

By Ja'far Ibn Muhammad,

أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ

راستگوترین راستگویان *

the most truthful,



وَمُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ مُّظْهِرِ الْبُرَاهِينِ

و موسی بن جعفر، آشکار کننده دلائل و براهین *

By Musa Ibn Ja'far, the discloser of the proofs,

وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ نَاصِرِ الدِّينِ

و علی بن موسی، یاور دین *

By Ali Ibn Musa, the helper of the religion,



وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ

و محمد بن علی،

By Muhammad Ibn Ali,

قُدْوَةُ الْمُهْتَدِينَ

الگوی هدایت شدگان *

the exemplar of those who accepted guidance,



وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ

و علی بن محمد،

By Ali Ibn Muhammad,

أَزْهَدُ الزَّاهِدِينَ

پارساترین پارسایان *

the most ascetic,



وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

و حسن بن علی،
By Hasan Ibn Ali,

وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ

وارث جانشینان *
the inheritor of the appointed ones,



وَالْحُجَّةِ

و حجت خدا
By the Proof

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

بر تمام آفریدگان *

upon all creation (al-Mahdi),



أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

اینکه درود فرستی بر محمد

Bless Muhammad

وَأَٰلِ مُحَمَّدٍ الصَّٰدِقِينَ الْأَبْرَرِينَ

و خاندان او، آن راستگویان نیکوکار *

and the family of Muhammad, the most truthful and devoted ones



عَالِ طه وَيَسْ ﴿٢٣١﴾

همان آل طه و یس *
(who are) the family of Taha and Yasin,

وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمْنِينَ ﴿٢٣٢﴾

و مرا در قیامت از کسانی قرار دهی *
and place me on the Day of Judgment among those who are safe, ﴿٢٣٢﴾

الْمُظْمِئِينَ الْفَائِزِينَ

که در امنیت و آرامش هستند
confident, triumphant,

الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ

رستگاران که شادند و بشارت یافته‌اند
happy, and felicitous.



اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ

خدایا مرا در زمره مسلمانان محسوب نما
O Allah! Destine me to be amongst the submitters,

وَأَحِقَّنِي بِالصَّالِحِينَ

و مرا به نیکوکاران ملحق فرما
Join me with the righteous,



وَاَجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ

و نام مرا بر زبان امت های بعدی

Ordain for me (offspring with) truthful tongue among

فِي الْآخِرِينَ

نیکو قرار ده *

the last generation,



وَانْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ ﴿٢٣٥﴾

و مرا در مقابل ظالمین یاری ده *

Make me victorious over the transgressors,

وَ اكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ ﴿٢٣٦﴾

و از مکر حسودان حفظ فرما *

Suffice me the deception of the envious,



وَاَصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَآكِرِينَ ﴿٢٣٦﴾

و مکرر حیلہ گران را از من برگردان *

Turn away from me the evil plans of the schemers,

وَاَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٣٧﴾

و دست ستمکاران را از من کوتاه کن *

Hold back from me the hands of the oppressors,



وَاجْمَعْ بَيْنِي

و مرا در بین

Gather me with the blessed masters

وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ

آن سروران با میمنت،

in the utmost exalted place of Heaven,



فِي أَعْلَىٰ عَلَيْهِنَ * مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

در اعلا علیین (ملکوت) قرار بده * همراه با کسانی که
along with whom You have bestowed favor,

عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ *

بر آنها نعمت عطا فرمودی، از پیامبران و راستگویان *
from among the prophets, the truthful,



وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ



و شهدا و نیکویان *

the martyrs, and the righteous,

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان *

By Your mercy, O the most merciful of the merciful.



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُقْسِمُ عَلَیْكَ

بار خدایا تو را سوگند می دهم

O Allah! I implore You

بِنَبِیِّكَ الْمَعْصُومِ

به حق پیامبر معصومت *

by Your infallible Prophet,



وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ ❁

و به مقدرات حتمی ات *
by Your definite judgment,

وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ ❁

و به حق نهی پنهانی ات *
and Your concealed preventive wisdom,



وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ ❁

و به حق این آرامگاهی که مردم بر او گرد می آیند
by this grave which is the place of congregation

الْمُوسَدِ فِي كَنْفِهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ ❁

و این امام معصوم
and in which lies the infallible Imam,



الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ

* مقتول مظلوم در سایه آن آرمیده است
the slaughtered, and the oppressed,

أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُمُومِ

* اینکه غم و غصه ها را از من برطرف فرمائی
that You dispel from me all that grieves me,



وَتَصْرِفْ عَنِّي

و شرّ قضا و قدر حتمی را

divert from me

شَرَّ الْقَدَرِ الْمُحْتَمِومِ ❁

از من برگردانی *

the harm of the decisive foreordained plan,



وَتُجِيرُنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ

و مرا از آتش و بادهای سوزان (جهنمش) پناه دهی *
and give me refuge from the Hellfire with scorching winds.

اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ

خدایا مرا با نعمت خود بزرگ گردان *
My Allah! Honor me with Your bounties,



وَرِضِنِي بِقِسْمِكَ

و به (رزق) تقسیم شده‌ات راضی نما *
 Make me content with Your apportionment,

وَتَغَمَّدَنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

و به جود و کرمت مرا بیپوشان *
 Encompass me with Your munificence and generosity,



وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ

و از مکر و انتقام خود

And keep me far off from Your requital scheme

وَنِقْمَتِكَ

دورم ساز *

and Your wrath.



اللَّهُمَّ اَعِصْمْنِي مِنَ الزَّلَلِ ❁

خدایا مرا از لغزش و خطا حفظ فرما *

O Allah! Protect me from errors,

وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ❁

و در گفتار و کردار، مرا استقامت بخش *

Make me firm in speech and action,



وَأَفْسَحْ لِي فِي مَدَّةِ الْأَجَلِ

و مدت زندگی‌ام را (در صورت عزت) طولانی کن *

Extend for me the period (of life),

وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ

و مرا از دردها و بیماری‌ها عافیت بخش *

Relieve me from pain and ailments,



وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِي

به حق اولیایم و به فضل

Make me achieve, through my masters

وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ



و کرمتم مرا به بهترین آرزوهایم برسان *

and Your grace, the best of wishes.



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمد و خاندان او
O Allah! Bless Muhammad

وَعَالِ مُحَمَّدٍ

درود فرست *
and the family of Muhammad



وَاقْبَلْ تَوْبَتِي * وَارْحَمْ عَبْرَتِي *

و توبه مرا قبول فرما * و بر گریه‌ام ترحم نما

and accept my repentance and my return, Have mercy upon my weeping,

وَاقْلِنِي عَثْرَتِي * وَنَفْسٍ كُرْبَتِي *

و از لغزشهایم درگذر * و حزن و اندوه مرا برطرف کن

Lessen my lapses, Relieve my distress,



وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي

و گناهانم را ببخش *

Forgive me my mistake,

وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي

و نسل مرا از صالحان قرار ده *

And improve my (righteousness) through my children.



اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ عَلِيَّ

بار خدایا

My Allah! Do not leave

فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ

در این حرم شریف *

for me, in this exalted



وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ

و در این محل گرامی *
and honored place of martyrdom,

ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ

برایم هیچ گناهی باقی نگذار، مگر آنکه آمرزیده باشی *
any sin but that You forgive,



وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ 

و نه هیچ عیبی، مگر آنکه پپوشانی اش
Nor any defect but that You conceal,

وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ 

و نه غم و غصه‌ای، مگر آنکه آن را برطرف نمایی
Nor any grief but that You remove,



وَلَا رِزْقًا إِلَّا بِسَطَّتِهِ ﴿٢٥٧﴾

و نه هیچ رزقی، مگر آنکه گسترش دهی *

Nor any sustenance but that You extend,

وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ ﴿٢٥٨﴾

و نه هیچ قدر و منزلتی، مگر آنکه افزونش کنی *

Nor any (spiritual) status but that You cause to prosper,



وَلَا فُسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ ۖ

و نه هیچ فسادى، مگر آنکه اصلاحش گردانى
Nor any corruption but that which You correct,

وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ ۖ

و نه هیچ آرزوئى، مگر آنکه به آن برسانى
Nor any wish but that You fulfill,



وَلَا دُعَاءَ إِلَّا أَجَبْتَهُ 

و نه هیچ دعائی، مگر آنکه اجابتش فرمائی *

Nor any supplication but that You answer,

وَلَا مَضِيقًا إِلَّا فَرَجْتَهُ 

و نه هیچ تنگنائی، مگر آنکه گشایشش دهی *

Nor any pressure but that You relieve,



وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ ۖ

و نه هیچ پراکندگی‌ای، مگر آنکه به اجماعش رسانی
Nor any dispersed (believers) but that You reunify,

وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ ۖ

و نه هیچ کاری، مگر آنکه به سرانجامش رهنمون سازی
Nor any matter but that You complete,



وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ ۖ

و نه هیچ مالی، مگر آنکه فراوانی اش بخشی *
Nor any wealth but that You increase,

وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ ۖ

و نه هیچ صفتی، مگر آنکه نیکویش گردانی *
Nor any character but that You improve,



وَلَا اِنْفَاقًا اِلَّا اَخْلَفْتَهُ 

و نه هیچ انفاقی، مگر آنکه مضاعفش نمایی *

Nor any charity but that You repay,

وَلَا حَالًا اِلَّا عَمَرْتَهُ 

و نه هیچ دگرگونی‌ای، مگر آنکه به‌ترش فرمائی *

Nor any condition but that You cause to improve,



وَلَا حَسُودًا إِلَّا أَقْمَعْتَهُ ۖ

و نه هیچ حسودی، مگر آنکه ریشه کن اش گردانی
Nor any envious (one) but that You suppress,

وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ ۖ

و نه هیچ دشمنی باقی گذاری، مگر آنکه هلاکش سازی
Nor any enemy but that You destroy,



وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ ﴿٢٦٤﴾

و نه هیچ شری، مگر آنکه برطرفش سازی
Nor any evil but that You suffice,

وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ ﴿٢٦٥﴾

و نه هیچ بیماری‌ای، مگر آنکه شفایش بخشی
Nor any ailment but that You cure,



وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ ۖ

و نه هیچ (امر) دوری، مگر آنکه نزدیکش فرمائی *

Nor any distant (one) but that You bring near,

وَلَا شَعَثًا إِلَّا لَمَمْتَهُ ۖ

و نه هیچ اختلالی، مگر آنکه اصلاحش نمائی *

Nor any scattering but that You reunite,



وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ ۖ

و نه هیچ خواسته‌ای باقی‌گذاری، مگر آنکه عطایش فرمائی *

Nor any request but that You grant.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ خَیْرَ الْعٰجِلَةِ

خدایا من از تو خیر دنیا *

O Allah! I ask You for the goodness of this transitory world,



وَتَوَابِ الْأَجَلَةِ

و ثواب آخرت را درخواست می کنم *
and the reward of the hereafter.

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِجَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ

خدایا مرا به سبب جلالت از حرام *

O Allah! Suffice me with what You made lawful from the unlawful, 

وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنْعَامِ

و به فضلت از جمیع خلق، بی نیاز فرما
and with Your grace from all other creatures.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا

خدایا از تو دانشی مفید
My Allah! I ask You for beneficial knowledge,



وَقَلْبًا خَاشِعًا

و قلبی خاشع *
a humble heart,

وَيَقِينًا شَافِيًا * وَعَمَلًا زَاكِيًا

و یقینی سلامت بخش * و عملی صالح و پاک
unequivocal certitude, pure action,



وَصَبْرًا جَمِيلًا * وَاجْرًا جَزِيلًا *
 * وَصَبْرًا جَمِيلًا * وَاجْرًا جَزِيلًا *

و صبری زیبا * و اجری عظیم طلب می کنم
 beautiful patience, and a bountiful reward.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَى *
 * اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَى *

خدایا توفیق شکر نعمت را روزیم کن
 O Allah! Grant me gratitude of Your blessing upon me,



وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ

و احسان و کرمت را
Increase Your favor

وَكْرَمِكَ إِلَى

بر من بیفزا *
and munificence on me,





وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا

و سخنان مرا در میان مردم، مورد پذیرش قرار ده
Make my speech amongst people effective,

وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا

و عمل مرا در نزد خویش، بالا ببر
my deeds elevated and worthy of being delivered to You,



وَأَثَرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتَّبِعًا

و اثر باقیمانده مرا در امور خیر، مورد پیروی قرار بده *

my righteous works followed (by others),

وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا

و دشمنم را ریشه کن نما *

and my enemy quelled,



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمد و خاندانش

O Allah! Send blessings upon Muhammad

وَعَالِ مُحَمَّدٍ

که نیکانند *

and the family of Muhammad,



الْأَخْيَارِ فِيْ عَائِنَاءِ اللَّيْلِ

در تمامی لحظات شبانه روز
the best of the creations, day

وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

درود فرست *
and night,



وَإِكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ ❁

و مرا از شر بدان محفوظ بدار *
Spare me from the evil of the wicked,

وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ ❁

و از گناهان و سنگینی و وبال آن پاک گردان *
Purify me from sins and burdens,



وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ﴿٢٧٧﴾

واز آتش (جهنم) پناهم ده *
Give me refuge from Hell-fire,

وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ ﴿٢٧٨﴾

و در سرای جاوید واردم کن *
Settle me in the House of rest (Paradise),



وَاعْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ

و مرا و تمامی خواهران و برادران مؤمن مرا

And forgive me and all my faithful

وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

(که در راه تو آنها را یافته‌ام) ببخشای *

brothers and sisters,



بِرَحْمَتِكَ

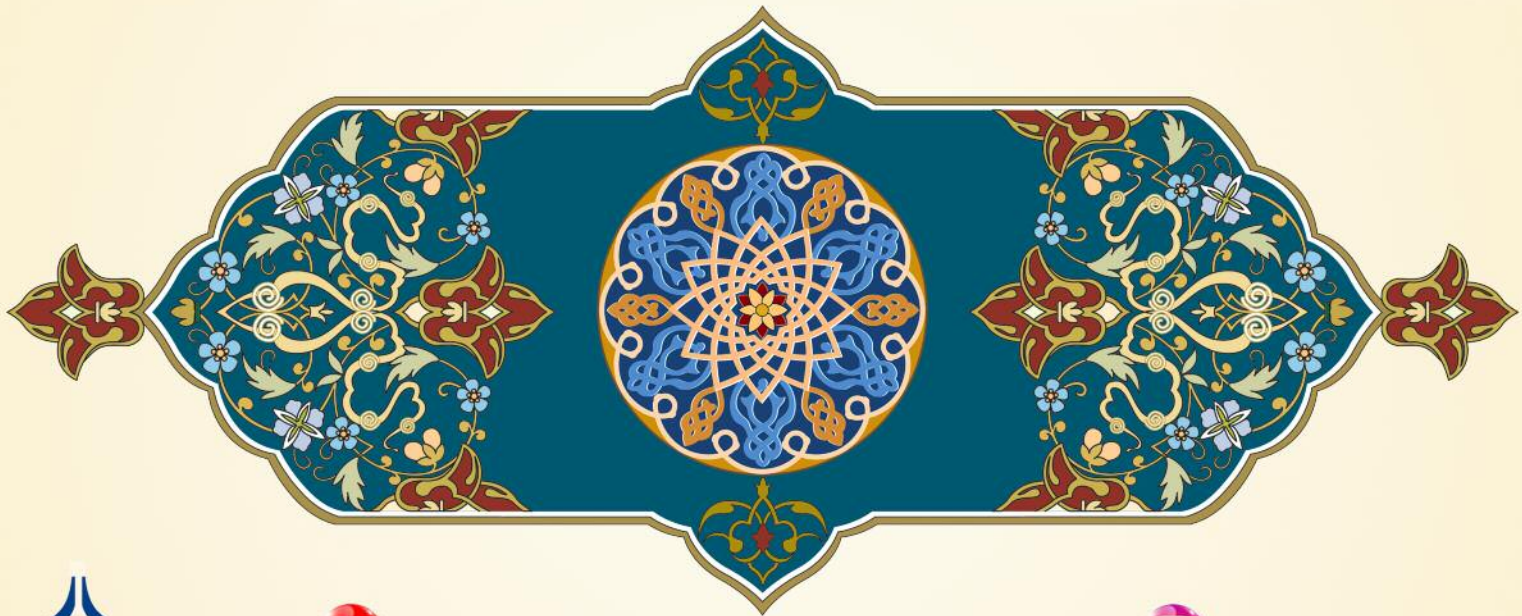
به مهربانی‌ات
By Your mercy,

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



ای مهربانترین مهربانان *
O the most merciful of the merciful!





Negaresh Asan



easy.reading.quran



negaresh.asan

negareshasanpub



www.negaresh-asan.ir

نگارش
آسان